



شان اخلاقی^۱ در آثار آیت الله جوادی آملی

علی پاکپور^۲

چکیده

شان اخلاقی موجودات، بحثی مهم در فلسفه اخلاق است که امروزه از جنبه‌های مختلفی بدان توجه می‌شود. شان اخلاقی در اصطلاح، همان جایگاه مسئولیت‌آفرین موجودات است که در حدود ثغور و معیار آن، نظریه‌های متعددی عرضه شده است. اهم نظریات مرتبط با این بحث، عبارت است از: نظریه انسانیت ژنتیکی، با معیار «وجود انسانی»؛ نظریه فاعلیت اخلاقی، با معیار «فاعل اخلاقی»؛ نظریه احساس محور، با معیار «موجود مدرک»؛ نظریه حیات ارگانیسم، با معیار «موجود زنده»؛ نظریه بوم‌شناسی عمیق، با معیار «موجودات زیست‌کره»؛ و نظریه رابطه بنیاد، با معیار «موجود دارای روابط اجتماعی یا اکوسیستمی».

این نوشتار با توجه به نظریه‌های موجود، می‌کوشد بر اساس آثار و آرای استاد جوادی آملی، معیار «وجود» را حد نصاب شان اخلاقی موجودات معرفی کند و بر اساس تشکیک در وجود از تشکیکی بودن شان اخلاقی موجودات بحث و نتیجه‌گیری نماید. به نظر می‌رسد محدوده شان اخلاقی در این نگاه بسیار گسترده است؛ از یک سو انسان، و در جانب برتر خدا و ملکوتیان را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر در جانب فروتر حیوانات و حتی گیاهان و در تفسیر عرفانی، همه موجودات را شامل می‌شود.

کلید واژه‌ها: شان اخلاقی، حق اخلاقی، مسئولیت اخلاقی، تشکیک در وجود.

1. Moral Status.

۲. استادیار جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

شان اخلاقی که اصطلاحاً به جایگاه مسؤلیت آفرین موجودات اطلاق می‌شود، جایگاه مهمی در مباحث اخلاقی دارد. پرسش اصلی در این بحث، آن است که چه موجوداتی و بر اساس چه معیاری، واجد جایگاه اخلاقی‌اند. آیا ما به عنوان فاعل‌های اخلاقی، نسبت به دیگران وظایفی داریم و دیگران نیز از این نظر، حقوقی دارند؟ آیا وظایف ما در قبال اطفال، ناتوان‌های ذهنی، نطفه و جنین، یکسان است؟ عامل تأثیرگذار در تعیین وظایف ما نسبت به موجودات، کدام است؟ شان اخلاقی حیوانات، گیاهان، گونه‌ها، و محیط زیست چگونه است؟ و به طور کلی، دامنه وظایف اخلاقی ما تا کجا است؟

ریشه این بحث را می‌توان در مباحث بسیار دیرینه‌ای که درباره انسان وجود دارد، یافت. در واقع هر جا که بشر توانسته درباره خود و نسبتش با دیگر موجودات بیندیشد، بحث جایگاه و مقام و منزلت او در مقایسه با دیگر موجودات، برای او مطرح بوده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

پیشینه بحث

شان اخلاقی موجودات امروزه بیش‌تر در مباحث مربوط به محیط زیست مطرح می‌شود. لوئیس پویمان^۱ در کتاب «اخلاق زیست‌محیطی»^۲ مجموعه مسائل اخلاق محیط زیست را

1. Louis Pojman, *Environmental Ethics*, Wadsworth.

این کتاب ویراست‌های مختلفی دارد که چهارمین آن‌ها در ۲۰۰۵ چاپ شده است. بخش اول این کتاب (ویراست اول ۱۹۹۸) به فارسی ترجمه و با مشخصات زیر چاپ شده است:

پویمان، لوئیس: اخلاق زیست‌محیطی، ترجمه محسن ثلاثی و دیگران، توسعه، تهران، ۱۳۸۴.

2. *Environmental Ethics*.

در دو بخش «مباحث نظری» و «مسائل عملی» تنظیم کرده است؛ که مهم‌ترین مسأله در بخش نظری، شأن و منزلت اخلاقی انحصاری انسان است.

لین وایت^۱ که مقاله معروف وی در کتاب پویمان هم آمده،^۲ معتقد است: «نگرش‌ها و رویکردهای غربیان به این مسأله، معمولاً از یک سو، در آموزه‌های دینی یهودیت (عهدعتیق) و مسیحیت (عهد جدید) و از سوی دیگر در فلسفه یونان باستان، به ویژه در آثار ارسطو ریشه دارد». پیتر سینگر^۳ نیز در کتاب «اخلاق عملی»^۴ ضمن مباحث اخلاق محیط زیست، به مسأله شأن اخلاقی پرداخته است و با معرفی نظریه «ادراک حسی»،^۵ همه موجودات مدرک را دارای شأن اخلاقی معرفی می‌کند.^۶

جان بنسون در کتاب «اخلاق محیط زیست» به بحث جایگاه اخلاقی مستقل انسان و دیگر موجودات پرداخته است که بحث شأن اخلاقی موجودات نیز در ضمن مباحث آمده است.^۷ مری آنوارن در مقاله‌ای با عنوان «شأن اخلاقی»^۸ و یک کتاب با عنوان «شأن اخلاقی، وظایف در برابر اشخاص و دیگر موجودات»،^۹ با بررسی و نقد نظریاتی چند در باب معیار و ملاک شأن اخلاقی، نظریه‌ای با معیارهای مرکب عرضه می‌کند.

1. Lynn White.

2. Pojman, Louis P. , "Environmental Ethics", Wadsworth, Forth edition, 19 -26

3. Peter Singer.

4. Practical Ethics.

5. The Sentience Theory .

6. Singer Peter, *Practical Ethics*, Oxford Reading in Philosophy .

۷. این کتاب را آقای وهاب‌زاده ترجمه و با عنوان «اخلاق محیط زیست» منتشر کرده است.

8. Warren Mary Ann , "Moral Status, A Companion to Applied Ethics" , *Blackwell Companions to Philosophy*, Edited by R. Gfrey and Christopher Wellman, 2003.

9. Warren Mary Ann , "Moral Status, Obligations to Persons and Other Living Things ", Oxford and New York Oxford University Press.

در زبان فارسی، مقاله یا کتاب مناسبی وجود ندارد که به صورت علمی، مستقیماً به طرح این موضوع و یا حتی بخش‌هایی از آن پرداخته باشد. البته مواد لازم برای این بحث در آموزه‌های اسلامی به ویژه در رساله «الحقوق» امام سجاد علیه السلام، تفاسیر قرآن، روایات مربوط به طبیعت و حقوق انسان، و نیز در آثار اندیشمندان مسلمان وجود دارد؛ از این رو تبیین مبانی و آرای اندیشمندان مسلمان، با توجه به ابعاد مسأله شأن اخلاقی می‌تواند افق‌های نظریه اسلامی در این مسأله را بیش تر روشن نماید.

معیار شأن اخلاقی

مهم‌ترین نظریه‌های مربوط به این بحث، معیارهای متفاوتی را درباره شأن اخلاقی موجودات، بیان کرده‌اند؛ که به صورت کلی، به دو دسته قابل تقسیم هستند:

الف. نظریه‌های انسان محور که دو نظریه را در بر می‌گیرد:

«نظریه انسانی ژنتیکی»؛^۲ نظریه‌ای است که با تمسک به گزاره‌های دینی نوع انسان (هر موجودی که انسانیت بر او صدق کند) را دارای شأن اخلاقی می‌داند.
«نظریه فاعلیت اخلاقی»؛^۳ این نظریه شأن اخلاقی را فقط برای انسان‌هایی که بتوانند فاعل اخلاقی باشند، معرفی می‌کند.

ب. نظریه‌های غیرانسان محور که اهم آن‌ها عبارتند از:

نظریه مدرک بودن (احساس محور)؛^۴ این نظریه، «موجود مدرک» (که توانایی تجربه لذت، درد، و سایر حالات هوشیارانه ذهنی را دارد) را دارای شأن اخلاقی می‌داند.

۱. از این رو مناسب دیدیم با مروری بر آرا و آثار استاد حکیم و فرزانه آیت الله جوادی آملی، مسأله تشکیکی بودن شأن اخلاقی را بررسی کنیم.

2. The Genetic Humanity Theory.
3. The Moral Agency Theory.
4. The Sentience Theory.

«نظریه حیات ارگانیک»^۱ معیار شأن اخلاقی در این نظریه، «موجود زنده» است.^۲
 «نظریه بوم‌شناسی عمیق»^۳ که در صدد است برای «موجودات زیست‌کره» اعم از موجودات زنده و غیرزنده، شأن اخلاقی‌ای ثابت نماید.
 «نظریه رابطه‌بنیاد یا ساختارگرا»^۴؛ این نظریه وجود روابط اجتماعی یا اکوسیستمی را شرط معیار شأن اخلاقی معرفی نموده، «موجود دارای روابط اجتماعی یا اکوسیستمی» را معیار می‌داند.
 «نظریه مری آن وارن»^۵؛ در این نظریه همه موجودات زنده، با شرایط خاص، دارای شأن اخلاقی هستند.^۵

همان گونه که ذکر شد، همه نظریات پیش گفته، با معرفی موجوداتی خاص در صدد تعریف شأن اخلاقی هستند و دامنه مسؤلیت اخلاقی انسان را بر اساس آن تعریف می‌کنند؛ پس می‌توان «وجود» یا جایگاه وجودی موجودات^۶ را محور اصلی همه نظریات دانست.^۷

تعریف شأن اخلاقی

با توجه به پیشینه این بحث، همچنین اهم نظریه‌های موجود، به نظر می‌رسد از دو منظر می‌توان به تعریف شأن اخلاقی پرداخت:

1. Organic Life Theory.

۲. ر. ک: پیتر سینگر، اخلاق محیط زیست، ترجمه علیرضا آل بویه، نقد و نظر، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، ص ۱۵۸.

3. Deep Ecology.

4. Relationship-based Theori.

۵. برای توضیح بیش تر این نظریات بنگرید به: پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۱۵.

۶. یعنی آنچه بر اساس نظام خلقت به موجودات تعلق گرفته، حد نصاب شأن اخلاقی منظور شده است.

۷. به نظر می‌رسد بر اساس آرای استاد جوادی آملی، می‌توان اصل «وجود» را بدون هیچ قیدی، معیار شأن اخلاقی و تشکیک در وجود را ابزاری برای تبیین آن دانست (ر. ک: صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۶۰).

نگاه نخست، با توجه به تعریف واژه «اخلاق» و پیش فرض های آن است. بر این اساس، شأن اخلاقی جایگاهی است که فاعل مختار از طریق اعمال اراده خویش، به دست می آورد. در این تعریف، واژه «شأن» به معنی جایگاه (معنی لغوی) و واژه «اخلاق» در معنای حقیقی خود و با ملاحظه پیش فرض های آن در نظر گرفته شده است. در این صورت، اطلاق شأن اخلاقی فقط بر فاعل مختار، به صورت حقیقی صحیح است و در سایر موجودات (حیوانات، نباتات و جمادات) مجازا به کار می رود.

نگاه دوم، با توجه به کاربرد واژه «شأن اخلاقی» در نظریه های موجود و کاربرد آن است. از این منظر، شأن اخلاقی، جایگاهی خواهد بود که موجودات به صورت اکتسابی یا غیراکتسابی کسب می کنند به نحوی که برای دیگران مسؤولیت آفرین باشد. واژه «شأن» در این تعریف، به معنی جایگاه و مراد از اخلاق اعم از فاعل اخلاقی و اموری است که متعلق فعل فاعل اخلاقی قرار می گیرند.^۱

ارزش وجودی و ارزش اخلاقی

همان طور که از تعریف واژه شأن اخلاقی به روشنی دریافت می شود، شأن اخلاقی موجودات بر جایگاه وجودی آنان مبتنی است. اگر بخواهیم به جایگاه وجودی موجودات در گستره مخلوقات، توجه کنیم، «هرچه مصداق شیء است و عنوان چیز بر آن صادق است، مخلوق خدای سبحان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰). مخلوقات نیز به سه دسته تقسیم می شوند: «بخشی که کارشان بر اساس غریزه، یکنواخت است؛ بخشی که کارشان بر اساس عصمت فرشته بودن، یکنواخت است؛ و بخشی که کارشان یکنواخت نیست، بلکه دو گونه است و این دو گونه، مایه تراحم و منشأ نیاز به اخلاق است» (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۱۵۹).

۱. به نظر می رسد هر یک از دو نگاه مذکور را می توان در مبانی و آثار استاد جستجو کرد؛ اما نگاه ما در این مقاله بر اساس تعریف دوم یا همان تعریف عام شأن اخلاقی است.

با این حال سؤال اساسی این است که باید و نبایدهای این دسته سوم (انسان‌ها) با چه معیاری، ارزشمند خواهد بود؟ از آن‌جا که وجود فی‌نفسه، ارزشمند و اساس ارزش‌ها است، ارزش اخلاقی در صورتی می‌تواند ارزش واقعی باشد که با ارزش وجودی، مرتبط باشد. به این صورت که اگر وجودی از راه تحقق اراده و اختیار انسانی تحقق یافت، می‌تواند ارزش اخلاقی داشته باشد؛ در نتیجه اخلاق امر جدا و بریده از عالم واقع نیست؛ زیرا: «انسان بایدها و نبایدها را بر اساس روابطی که بین خود و جهان تکوین می‌بیند، تنظیم می‌کند» (همان، ص ۲۶).

از طرفی، صرف ارتباط با واقع جواز اطلاق اخلاق نیست؛ بلکه انتساب به اخلاق در مواردی صحیح خواهد بود که دست‌کم قابلیت تعلق به فعل اختیاری انسان نیز در آن باشد. از این رو کاربرد اصطلاحی قید «اخلاقی» در مواردی مانند اخلاق محیط زیست یا شأن اخلاقی جنین، حیوان، نبات یا حتی جمادات، از این حیث تبیین می‌پذیرد.

شأن اخلاقی، حق اخلاقی و مسؤولیت اخلاقی

اگر بپذیریم که جایگاه وجودی موجودات از این جهت که می‌توانند متعلق فعل اخلاقی باشند، شأن اخلاقی آن موجود به حساب می‌آید؛ آن‌گاه شأن اخلاقی موجودات، منشأ حق اخلاقی موجودات خواهد بود. با این بیان که خداوند هر موجودی را در جایگاه خود به شایستگی آفریده است و به واسطه جایگاه موجودات در نظام هستی، حقوقی را برای آن‌ها وضع نموده است. وضع این حقوق از آن‌جا که از طرف خالق حکیم بوده، هدفمند و برای تحقق غایتی ارزشمند است. پس رعایت این حقوق لازم است؛ زیرا اگر حقوقی برای موجودی فرض شود، اما دیگران خود را مکلف به رعایت آن حق ندانند، فرض حق برای آن موجود بی‌فایده و با عدم فرض آن، برابر خواهد بود.

از آن‌جا که شأن اخلاقی را به جایگاه مسؤولیت‌آفرین موجودات تعریف کردیم، همه امور تکوینی و غیرتکوینی‌ای (افعال اختیاری) را شامل می‌شود که مسؤولیتی اخلاقی در قبال آن ثابت شده باشد؛ در نتیجه، شأن اخلاقی با مسؤولیت اخلاقی، متلازم خواهد بود. این تلازم،

طرفینی است؛ زیرا هر جا شأن اخلاقی باشد، مسؤولیت اخلاقی نیز خواهد بود؛ و از طرفی، هر جا مسؤولیت اخلاقی ثابت بود، می تواند نشان از شأن اخلاقی باشد.

شأن اخلاقی موجودات و گستره آن

اگر مسؤولیت اخلاقی، نشانه شأن اخلاقی است، قلمرو شأن اخلاقی موجودات می تواند بسیار وسیع باشد؛ چرا که اسلام دایره مسؤولیت انسان نسبت به موجودات عالم را محدود نمی داند (اسلام و محیط زیست، ص ۸۴-۸۷).

«آیات قرآن کریم درباره آزمون های الهی متعدد است ... :

الف. آنچه بر روی زمین خلق شده، زینت زمین و آزمون مردم روی زمین است و آنچه در نشئه طبیعت یافت می شود، اعم از تلخ و شیرین آن، جنبه امتحانی دارد.

ب. حوادث ناگوار، امتحان الهی است و هیچ حادثه ای وجود ندارد که در برابر آن، مسؤولیت نباشد. این حالات ناگوار، آزمون صبر است و در آن ها صابران شناخته می شوند.

ج. حوادث گوارا و ملایم نیز امتحان الهی است و رفاه و آسایش و نعمتی که در پی تحمل ناگواری ها به انسان رسیده، آزمون شکر است» (جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۴۶۴).

پس اگر موجودی از موجودات عالم، به واسطه جایگاه وجودی خویش، در سرنوشت انسان تأثیرگذار باشد انسان با این فرض که نسبت به آن آزموده می شود، در قبال آن مسؤولیت اخلاقی خواهد داشت. خود این امر می تواند گواه شأن اخلاقی آن موجود باشد. البته شناخت دقیق گستره مخلوقات و نوع ارتباط انسان با آن ها ممکن نیست. اگر بپذیریم همه مخلوقات عالم با هم مرتبطند و هرگونه فعل و انفعال در بخشی از عالم مستقیم یا غیرمستقیم به همه موجودات دیگر سرایت نموده، بر آن ها تأثیر می گذارد،^۱ آن گاه به صورت

۱. استاد برای این مطلب، دلیل عقلی و نقلی بیان می کند (اسلام و محیط زیست، ص ۱۸۴-۲۰۷)؛ و می فرماید: «پس با نظامی در عالم تکوین روبه رو هستیم که کاملاً با هم مرتبط و مربوط است و هر یک،

کلی می توان پذیرفت که انسان در قبال همه مخلوقات مسؤولیت اخلاقی دارد.^۱

اما با صرف نظر از نگاه کلی و استمداد از قواعدی که می تواند برای همه موجودات، نوعی شأن اخلاقی در نظر گیرد، روایات اسلامی صریحاً به حقوق برخی از مخلوقات و مسؤولیت اخلاقی انسان در قبال آن ها پرداخته است. از روایات درمی یابیم که شأن اخلاقی موجودات، می تواند منشأ حق اخلاقی و به تناسب ابعاد وجودی آن ها متنوع، متفاوت و گسترده باشد. براساس این روایات:

انسان در برابر همه موجودات مرتبط با خود (واجب و ممکن) مسؤولیت اخلاقی دارد

(ر.ک: اسلام و محیط زیست، ص ۱۷۳).

مسؤولیت اخلاقی انسان، وجودات جزئی و فاقد هویت شخصی را نیز در برمی گیرد؛



حقیقت یا رقیقه یکدیگر است» (اسلام و محیط زیست، ص ۱۰۲).

مؤید این نگاه به عالم هستی، روایاتی است که میان رفتار فردی انسان و موجودات ملکوتی خاص مانند عرش و کرسی، ارتباط برقرار می کند؛ مانند این روایت که می گوید: «اگر تیم بگیرد، عرش الاهی بلرزد» (میزان الحکمه / ۲۱۳۹).

۱. مطلب مرتبط: بحث تجسم اعمال: ﴿فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره * و من يعمل مثقال ذرة شرایره﴾

(الزلزال، ۷ و ۸)؛ * ﴿یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو أن بینها و

بینه أمدا بعیدا و یحذرکم الله نفسه و الله رؤوف بالعباد﴾ (آل عمران / ۳۰). الإمام علی علیه السلام: «أعمال العباد

فی عاجلهم نصب أعینهم فی آجالهم» (نهج البلاغه، الحکمة ۷؛ و شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، ج

۱۸، ص ۱۰۰). رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لقیس بن عاصم و هو یعظه: «إنه لا بد لك یا قیس من قرین یدفن معك و

هو حی، و تدفن معه و أنت میت، فإن كان کریماً أکرمك، و إن كان لئیماً أسلمك، ثم لا یحشر إلا معك، و

لا تبعث إلا معه، و لا تسأل إلا عنه، و لا تجعله إلا صالحاً، فإنه إن صلح أنت به، و إن فسد لا تستوحش

إلا منه، و هو فعلك» (معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۳۳). جبرئیل علیه السلام للنبی صلی الله علیه و آله و سلم و هو یعظه: «یا محمد!

أحبب من شئت فإنك مفارقه، و اعمل ما شئت فإنك ملاقیه» (البحار، ج ۷۱، ص ۱۸۸ و ر.ک: ثواب

الاعمال، ترجمه غفاری، ص ۴۴۴؛ و میزان الحکمه، ح ۲۱۳۹).

موجوداتی همچون اعضا و جوارح انسان.^۱

میزان مسؤلیت اخلاقی انسان در قبال موجودات، تابع میزان حقوق اخلاقی ناشی از درجه وجودی آن‌ها و میزان تأثیرگذاری بر سرنوشت انسان است. حق خداوند متعال از آن‌جا که دارای بیش‌ترین حق و بالاترین تأثیر در سرنوشت انسان است، بیش‌ترین مسؤلیت اخلاقی را برای انسان ایجاد می‌کند (ر.ک: اسلام و محیط زیست، ص ۲۴).

محدوده مسؤلیت اخلاقی انسان، منحصر به موجوداتی نیست که بالفعل با انسان مرتبط هستند، بلکه همه موجودات بالقوه‌ای را که می‌تواند در سرنوشت انسان مؤثر باشد، در بر می‌گیرد. (همان، ص ۱۸۵؛ صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۲۳ و ۱۳۰).

همه امور مادی و معنوی، تکوینی و تشریحی، می‌توانند نقش اسباب و علل را ایفا کنند و برای انسان مسؤلیت‌آفرین باشند (همان، ص ۱۷۹-۱۸۶).

مسؤلیت اخلاقی انسان، شامل غیرانسان نیز می‌شود؛ در نتیجه، شأن اخلاقی به نوع انسان مختص نیست. (همان، ص ۱۶۵-۱۶۹).

حقوق، به موارد ذکر شده منحصر نیست؛ در نتیجه، مسؤلیت اخلاقی انسان می‌تواند

شامل موجودات دیگر نیز باشد.^۲

۱. «در تأکیدات خاص نیز درباره انسان می‌فرماید که ما او را از نعمت اعضا و جوارح برخوردار کردیم؛ (الْمُمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَرَّ مَقْتَبَيْنِ) و انسان می‌تواند از آنها برای زندگی خود استفاده کند. نیز می‌فرماید که انسان را از منافع اعضا بهره‌مند کردیم و او بر اساس این نعمتها از سَمْع و بَصَرِ مَتَّفَع شد؛ (فَجَعَلْنَا سَمِيعًا بَصِيرًا) اما سپس فرمود: مواظب باشید! مبدا از اینکه می‌توانید از اعضای خود استفاده کنید و از منافع اعضای خود به شکلی دلخواه بهره‌مند شوید، این توهم برای شما به وجود آید که ملکیت حقیقی آنها از آن شماست.» (اسلام و محیط زیست، ص ۱۶۹).

۲. مثلاً در بعضی روایات، به حق قرآن اشاره شده است: «... و من حق القرآن ان تعمل بما فيه» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۵).

تشکیکی یا غیرتشکیکی بودن شأن اخلاقی

تشکیک در اصطلاح منطق، آن مفهوم کلی ای است که بر افرادش به طور یکسان صدق نکند؛ بلکه صدقش بر افراد، به کمال یا نقص، تقدم یا تأخر، اولویت یا غیراولویت باشد؛ مثل صدق و حمل مفهوم نور بر افراد آن که شدت و ضعف دارند. در اصطلاح فلسفه، تشکیک به این معناست که وجود، حقیقتی واحد است و مراتب مختلف دارد؛ یعنی وجود در عین این که واحد است، کثیر است؛ و در عین این که کثیر است، واحد است (عبدالله جوادی آملی، فلسفه صدره، ج ۱، ص ۳۹؛ محمد حسین طباطبایی، نهاية الحکمة، ج ۱، ص ۸۵).

یکی از بحث‌های مهم درباره شأن اخلاقی، تشکیکی یا غیرتشکیکی بودن آن است. بر اساس آنچه که تا کنون گفته شد، تشکیکی بودن شأن اخلاقی موجودات از منظر اسلام، بر اساس مبانی فلسفی، تفسیر آیات و روایات به دست می‌آید (ر.ک: صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۱۷۳). اما نکته تأمل برانگیز در این بحث، دامنه تشکیک است که آیا در محدوده جنس یا نوع موجودات باقی می‌ماند یا به آحاد و افراد انواع موجودات نیز سرایت می‌کند؟ تا کنون در یافتیم که شأن اخلاقی با ویژگی‌های پیش گفته، امری وجودی است و وجود به لحاظ فلسفی دارای حقیقتی واحد و مشکک است؛ از این رو، تشکیک در شأن اخلاقی نوع موجودات، امری مسلم است.

از طرفی، میزان مسؤولیت اخلاقی انسان در قبال موجودات، می‌تواند دلیل شدت و ضعف شأن اخلاقی و در نتیجه تشکیکی بودن آن باشد. اما در مقام اثبات، یکی از بهترین مسیرها برای کشف شأن اخلاقی موجودات، رجوع به قرآن است. قرآن چون کتاب هدایت است، به منظور فراهم نمودن زمینه هدایت، به توصیف موجودات پرداخته است. قرآن با بیان خود می‌خواهد انسان را با وظایف و مسؤولیت خود در قبال موجودات آشنا نماید. از نظر قرآن، مسؤولیت اصلی پیش از هر چیز، در مقابل خداوند است؛ زیرا منشأ یگانه جهان، خداوند است.

خداوند ذاتی است که در هیچ جهتی به هیچ موجودی نیازمند نیست و به تعبیر قرآن

«غنی» است؛ همه چیز به او نیازمند است و از او مدد می‌گیرد و او از همه بی‌نیاز است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر/ ۱۵)؛ ای مردم،

شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز و ستوده است.

از نظر قرآن، رتبه بعد، از آن انسان است. انسان در میان موجودات، از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد؛ مسؤول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است. جهان، مدرسه انسان است و خداوند به هر انسانی براساس نیت و کوشش صحیح و درست، پاداش می‌دهد:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/ ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.^۱

این بیان، برتری نوع انسان را به خوبی می‌نماید. اما برتری انسان‌های خاص، تشکیک در شأن اخلاقی افراد نوع انسانی را روشن می‌سازد؛ مانند این کلام وحی که می‌فرماید:

«پیامبران الهی نیز مانند فرشتگان، درجات و ویژه خود را دارند» (صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۱۷۵)؛ ﴿لَيْسَ الْكِرَامُ الْرِئَاسُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ أَيْدِيَنَا نَاهِ بُرُوحِ الْقُدُسِ فَوُشِّدَ آءَ اللَّهِ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ

۱. «شایان گفتن است که خداوند، برخی افراد را از دایره انسانیت بیرون رانده و همتای حیوانات و یا پست‌تر از آن‌ها قرار داده است؛ که ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾ و یا با تعبیری حقارت‌آمیز، آن‌ها را از شمار شیطان‌های انسانی خوانده است، ... بنابراین آن‌ها از شمول بحث کنونی به کلی خارجند. ولی دیگر انسان‌ها که از کرامت و فضیلت، بهره‌ای دارند، دارای درجات متفاوت و مرتبه‌های غیریکسان هستند» (ر.ک: صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۱۷۴؛ اسلام و محیط زیست، ص ۲۳ و ۱۶۷).

مِنْ بَعْدِهِمْ مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنُوا وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرُوا وَكَوَّ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلَوْا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۲۵۳﴾ (بقره / ۲۵۳). «برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد؛ و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم؛ و اگر خدا می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد، به‌کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند، ولی با هم اختلاف کردند؛ پس، بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند، و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند؛ و اگر خدا می‌خواست، با یکدیگر جنگ نمی‌کردند؛ ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.»

از نظر قرآن انسان عالم با جاهل، مسلمان با کافر، و مجاهد با غیرمجاهد، مساوی نیست. مراتب مختلف وجودی این موجودات، مقتضی شأن اخلاقی متفاوت آنان است.^۱ حتی یک انسان می‌تواند در شرایط مختلف، شأن اخلاقی متفاوت داشته باشد؛ چنان‌که درباره انسان سالک فرموده‌اند:

«اما انسان کامل، سیرش دایمی است و جایگاه معینی ندارد و اگر به مقام شامخ نفس مطمئنه رسید، هنوز بین راه است؛ زیرا خدا به صاحب نفس مطمئنه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً﴾. سیرتان را ادامه دهید و به حضرت عنایت برسید و عنداللهی بشوید؛ به طوری که بین شما و محبوتان، غیری فاصله نباشد. پس عالی‌ترین مقام در سیر وجودی انسان سالک، رسیدن به مرتبه نفس مطمئنه نیست، بلکه

۱. از این‌رو به عقیده استاد «علم همراه با ایمان از جمله این فضیلت‌هاست که جان انسان را شکوفا می‌کند و درجاتی برتر از دیگران را برای مؤمن عالم به ارمغان می‌آورد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾؛ خدای سبحان، مؤمنان را به یک درجه و مؤمنان دانشمند را به چندین درجه، برتری و رفعت می‌بخشد. (صورت و سیرت انسان در قرآن، ص ۷۷).

نیمه راه است» (سیره پیامبران در قرآن، ج ۶، ص ۱۶۰).

مسئولیت آفرینی این تفاوت‌ها، به این جهت نیست که محصول اراده فاعل مختار است، بلکه تفاوت‌های تکوینی مخلوقات نیز می‌تواند منشأ مسئولیت اخلاقی باشد؛ چراکه فرموده‌اند:

در قوس صعود نیز خلواند استعدادهای پیامبران را متفاوت آفریده و فیض‌پذیری آنان را غیر یکسان قرار داده است. التماس معادن كعادن الذهب والفضة» (کافی، ج ۸، ص ۱۷۷، ح ۱۹۸).

بعد از نوع انسان، حیوانات هستند که به لحاظ وجودی، در درجه بعد قرار دارند. البته نگاه روایات اسلامی درباره حیوانات، متفاوت است. حیوانات اهلی و وحشی، در روایات مساوی نیستند. حیوانات وحشی نیز به صورت واحد دسته‌بندی نشده‌اند؛ به نحوی که به کشتن حیوانات موزی در روایات امر شده است. اما از شکار بعضی حیوانات وحشی مانند پرندگان، بدون دلیل موجه، نهی شده است.

چنان‌که حضرت مسیح علیه السلام هنگام عبور از کرانه دریا، مقداری از غذای خود را به دریا انداخت. برخی از حواریان گفتند: یا روح الله! چرا چنین کردی؟ فرمود: برای حیوانات دریا، تا از آن تغذیه کنند و ثواب این کار نزد خداوند بزرگ است. (وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۸).

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: خنک کردن جگر گرم و تشنه، واجب است؛ و هر کس جگر تشنه حیوانی را سیراب نماید، خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از ظل معنوی خدا نیست، در سایه خود پناه می‌دهد (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۷۰).

از این گونه رهنمودهای فعلی و قولی رهبران دینی، پیوند اخلاق و عبادت با فضای سبز، رعایت حقوق حیوانات و مانند آن معلوم می‌شود؛ زیرا صبغه ملکوتی این کارها که توجه به ثواب الهی و عنایت به قیامت و اهتمام به ذخیره پس از مرگ است، کاملاً ملحوظ شده است (اسلام و محیط زیست، ص ۲۷۵).

در نگاه نخست به نظر می‌رسد روایات درباره گیاهان و نباتات و حتی جمادات نیز

این گونه است؛ یعنی مسؤلیت انسان در قبال نوع گیاه و نبات، مساوی نیست. گیاهی که در حرم امن الاهی روئیده، جایگاه متفاوتی از دیگر گیاهان دارد، و در نتیجه کندن آن جایز نیست. گیاهی که در خانه انسان روئیده برای انسان، مسؤلیتی متفاوت از گیاهان وحشی و خودرو در کوهستان دارد.

به نظر می‌رسد نگاه متفاوت دین اسلام به این امور، ناشی از جایگاه تکوینی حیوان و گیاه و امثال آن نباشد؛ بلکه به لحاظ تکوینی وجود انسان بر حیوان و در رتبه بعد، حیوان بر نبات، برتری دارد. اما میزان تأثیرگذاری این امور در تشریح، می‌تواند عامل تفاوت و اهمیت خاصی باشد که بر برخی از این امور عارض می‌شود. گیاه داخل حرم، به لحاظ تکوین، تفاوتی با گیاهان بیرون حرم ندارد اما قرار گرفتن این گیاه در حرم به لحاظ تأثیری که می‌تواند در سرنوشت انسان داشته باشد، مسؤلیت خاصی در پی خواهد داشت.

بنابراین حیوانات، نباتات و جمادات رتبه‌های بعد از انسان را تشکیل می‌دهند. این برتری انواع بر یکدیگر، بر اساس معیارهای اسلامی، در بحث خروج از تراحم و وظایف اخلاقی به خوبی مشخص شده است.^۱

به طور کلی «در نظام ارزشی اسلام، همه اعمال نیک پایدار است... آبیاری درخت مانند سیراب کردن مؤمن تشنه، دارای ثواب و پاداش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من سقی طلحها و سدره فکاً نَمَا سقی مؤمناً من ظمّاً»؛ هنگامی که اجر سیراب کردن درخت، مانند

۱. معیار برون‌رفت از تراحم و وظایف اخلاقی در اسلام، قاعده «الاهم فالاهم» است. اهمیت هر موجود نیز به نسبت میزان تأثیری مشخص خواهد شد که در تحقق هدف نهایی اسلام دارد. مثلاً شأن اخلاقی امام معصوم، از اهمیت بالایی برخوردار است. رعایت حرمت این شأن، برای همه و از جمله خود امام معصوم، لازم است. اما وقتی چنین شأنی در تراحم با شأن دین قرار می‌گیرد، امام معصوم شأن خود را فدای دین می‌کند.

سیراب کردن مؤمن باشد، پس غرس درخت و ایجاد فضای سبز نیز جزو سنت‌های حسن دینی است که در سعادت اخروی انسان مؤثر است» (اسلام و محیط زیست، ص ۱۹۹).

رسول گرامی اسلام ﷺ چنین فرمود: «من أَمَاطَ عَن طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِ مِائَةِ آيَةٍ، كُلِّ حَرْفٍ بَعَشْرَ حَسَنَاتٍ» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۰).

هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث آزار رهگذر است، برطرف کند، خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می‌کند که ثواب قرائت هر حرف، ده حسنه است. منظور از راه، خصوص مسیر زمینی نیست؛ بلکه شامل معبر دریایی و پل ارتباطی هوایی نیز می‌شود. مقصود از چیزی که آزار می‌کند نیز خصوص موانع عبوری نیست؛ بلکه هر چه مایه اذیت عابران بوده و بعضی از مزایای سلامتی انشای جامعه را از بین می‌برد؛ مانند بوی زباله، دود کارخانه، آلودگی صوتی، و سنگینی ترافیک، مشمول سخن نغز آن حضرت است؛ و قداست رعایت اصول زیست محیطی همسان حرمت تلاوت متن مقدس دینی است (اسلام و محیط زیست، ص ۸۶).

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مِّنْ فَعْلِهِنَّ؛ الْمَتَغَوِّطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمَتَّابَ وَسَادَّ الطَّرِيقَ الْمَسْلُوكَ» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۵)؛ سه گروهند که در اثر سه کار ناروا، مورد لعنت خداوند سبحان هستند:

۱. کسی که مکان عمومی، سایه بان‌ها، پارک‌ها، محل نزول مسافران و... را آلوده کند.
۲. کسی که آب نوبه‌ای را به غضب ببرد؛ یعنی رعایت نوبت حقوق شهروندان نکند.
۳. کسی که سد معبر کند و مانع عبور عابران شود.

رفتار رهبران الهی همتای گفتار آنان، برای ترغیب دولت و ملت به رعایت اصول زیست محیطی انجام می‌شد؛ از این رو، حضرت امام سجاد علیه السلام اگر کلونخی را در معبر می‌دیدند، از مرکب پیاده می‌شدند و آن را از راه، دور می‌کردند که مزاحم رهگذران نشود (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۵۰).

حضرت مسیح علیه السلام از کنار گوری می‌گذشت و صاحب آن قبر را معذّب دید. سال بعد، هنگام عبور

از کنار آن گور، صاحب آن را در عذاب ندید. پرسید: خدایا! عامل رفع عذاب او چه بود؟ فرمود: فرزند او بزرگ شد و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، بنابراین از گناه او صرف نظر شد (همان، ص ۴۹).

جمع بندی

از مجموع مطالب گفته شده می توان نتیجه گرفت که: شأن اخلاقی به معنای جایگاه مسؤولیت آفرین موجودات در آثار استاد جوادی آملی، شواهد فراوانی دارد.

شأن اخلاقی، امری وجودی است که می تواند اکتسابی یا غیر اکتسابی باشد. مسؤولیت اخلاقی انسان در قبال موجودات، نامحدود است؛ از این رو ثبوتاً موجودات دارای شأن اخلاقی می توانند نامحدود باشد.

شأن اخلاقی، تشکیکی است و به تناسب تک تک موجودات، می تواند متفاوت باشد. در مقام اثبات، شأن اخلاقی خداوند بالاترین و برترین شوون اخلاقی است. شأن اخلاقی انسان صاحب کرامت در مرتبه بعد قرار دارد.

افراد انسانی به تناسب ظرفیت وجودی، دارای شأن اخلاقی متفاوت هستند و با اختیار خویش می توانند آن را افزایش یا کاهش دهند.

تشکیک در شأن اخلاقی تک تک حیوانات، می تواند امری قابل قبول باشد. تشکیک در شأن اخلاقی انواع نباتات و جمادات نیز دارای مؤیداتی است.

شأن اخلاقی می تواند علاوه بر انسان از یک سو، (در جانب برتر) خلأ و ملکوتیان؛ و از سوی دیگر (در جانب فروتر) حیوانات و حتی گیاهان و در تفسیر عرفانی همه موجودات را در بر گیرد.

میزان شأن اخلاقی مخلوقات را می توان به تناسب تأثیرگذاری مثبت یا منفی آنان در وصول انسان به هدف نهایی سنجید.

منابع

فارسی

۱. القرآن الکریم.
۲. بنسون، جان (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست مقدمات و مقالات، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. پاکپور، علی، شأن اخلاقی (بررسی نظریات)، پژوهش نامه اخلاق، شماره ۱۵، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
۴. پویمان، لویی (۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه محسن ثلاثی و دیگران، تهران، توسعه.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.
۶. _____، (۱۳۸۳)، سیره پیامبران در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۷. _____، (۱۳۸۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۸. _____، (۱۳۸۷)، فلسفه صدرا، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. _____، (۱۳۷۹)، مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۰. _____، (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، مرکز نشر اسراء.
۱۱. سینگر، پیتر (۱۳۸۶)، اخلاق محیط زیست، ترجمه علیرضا آل بویه، تقدو نظر، سال دوازدهم، شماره ۴۵، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

عربی

۱۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۱۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۰۳)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات.

۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، مؤسسة آل البيت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. سید رضی، (۱۴۱۵)، نهج البلاغة، صبحی صالح، بیروت، دار الاسوه.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۱)، نهاية الحکمة، تعلیقه فیاضی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱)، الکافی، اصول و فروع، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

انگلیسی

20. Pojman, Louis P. , **Environmental Ethics**, Wadsworth, Forth edition, 19-26.
21. Singer Peter, **Practical Ethics**, oxford Reading in Philosophy.
22. Warren ,Mary Ann , **Moral Status, A Companion to Applied Ethics**, *Blackwell Companions to Philosophy*, Edited by R. Gfrey and Chritopher Wellman, 2003.
23. Warren ,Mary Ann , **Moral Status, Obligations to Persons and Other Living Things**, Oxford and New York: Oxford University Press.